

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی

۲۰ دسمبر ۲۰۱۱

## فحاشی سیاسی از "سکسسستان" شبنامه نویس

۲

چهل و دو ملیون زن را به فحشاء در جامعه المان متهم ساختن، غیر از دلایلی که در نوشته مؤرخ ۱۴ دسمبر خود تذکر داده بودم، دلیل دیگری هم می تواند داشته باشد و آن این که چنین طرز دیدی به یقین نشأت از تجارب شخصی شبنامه نویس حین زندگانی در غرب می نماید، بدان معنا که چنین ادعائی می تواند نشاندهنده ارتباطات و روابط وی با فاحشه خانه هائی از نوع "سنکت پولی" باشد. ناگفته نباید گذاشت که فاحشه خانه ها در تمام جوامع به اشکال مختلف وجود دارد که در کل قشر خاصی از افراد آن جامعه با سود جستن از احتیاج زنان بی پناه جهت خوشگذرانی و ارضای شهوت خویش در آن محیط رجوع می کنند و اما موجودیت چنین محیطی به شکل آزاد و بی پرده در جوامع پیشرفته، دلیل براین نیست که بتوان مهر سکسسستان را بر جبین ۴۲ ملیون زنی که در چنین جامعه هائی زندگی می کنند، حک نمود.

من که از چهل سال بدین سو در المان زندگی می نمایم و در همین جا تحصیل نموده و از سالها است که مشغول کار هستم می خواهم از برداشتها و تجارب خود و دوستان چه آنگاهی که در افغانستان بودم و چه هم از زمانی که در المان هستم تا اندازه ای یاددهانی نمایم، باشد به علاوه دفع اتهام از زنان این دیار، محرکی باشد برای احیای شخصیت شبنامه نویس.

با گذشت چهل سال عمرم در محیط المان، یک روز هم به خاطر ندارم که مورد اذیت و آزار مردان چه در محیط کار و چه هم در زندگی روزمره قرار گرفته باشم، عکس آن در جوامعی مانند افغانستان، ایران، پاکستان و ممالک عربی که قدرت های حاکم توانسته اند تار و پود انسانها را با ارزشهای جامعه مردسالارانه با قوانین ظالمانه و با قید و بند های ارتجاعی بر خاسته از دین و مذهب و فرهنگ و کلتور عقب مانده در انحصار خود بیاروند؛ قضیه شکل دیگری به خود می گیرد.

چه در چنین جوامعی همه این‌ها عواملی اند که منجر به شیوع حرکات منفی می‌گردد و مردم ذهن خود را بدون تعمق مانند اسپ گادی به آن موافق می‌سازند. هر قدر که ارزشهای جامعه مردسالارانه گسترش و حاکمیت ارتجاع تحقق بیابد به همان اندازه اهانت، توهین، اذیت و آزار، خشونت، ایجاد ترس و خلاصه در مجموع فضایی بر جامعه حاکم می‌گردد که خلاف کرامت انسانی است.

در زمینه اذیت و آزار زنان از جانب مردان در کشور ما افغانستان هرکدام از ما زنان تجارب خود را داریم تا جایی که به خاطر داریم، مردها از چشمک زدن گرفته تا شانه زدن، زبان کشیدن، چوندوک گرفتن، و حتا ... نمودن لذت می‌بردند و بدون این‌که به عمق مسأله پی ببرند که رجوع به چنین حرکات باعث اذیت و آزار زنان خواهد شد و فضای ترس و وحشت را به بار خواهد آورد با بی‌مسئولیتی به اعمال زشت و کثیف خود همانطور ادامه می‌دادند چون سیستم حاکم بر جامعه طوری عیار شده بود که از یک جانب زمینه‌های عقب ماندگی ذهنی مهیا بود و از جانب دیگر افکار مارا با ارزشهای فرهنگی و عنعنه‌ئی پوسیده طوری شست و شو داده بودند که حتا از ترس این‌که پدر، برادر و یا اعضای دیگری از فامیل خبر نشود از صحبت نمودن در این باره جلوگیری به عمل می‌آمد و می‌گفتند که اگر زبان باز کنی، متهم به بدنامی خودت و فامیلت می‌شوی. با وجودی که زنها در این باره بین خود صحبت هائی داشتند ولی در اجتماع و به خصوص از گفتن آن نزد مردها خودداری می‌نمودند تا مبادا جنگ و جدالی صورت بگیرد. پس دیده می‌شود که هوش و فکر همه به طرف عمل و عکس العمل مردها بود، بدون این‌که به قربانی که زن است توجه صورت بگیرد.

امروز که استعمار، خلق افغانستان را در بند زنجیرهای اسارتبار خود کشیده و ارتجاع سیاه در همسویی با استعمار دمار از روزگار مردم در آورده است، ساحه این روند منفی آنقدر گسترش یافته که بر بسیاری از زنها غیر قابل تحمل است. طبق گزارشی که هفته قبل در اخبار تاگس اشپیگل المان از نظر گذشتاندم، گزارشگر گفت و گوئی داشت با دختر جوانی در کابل. این دختر به صورت مشخص صحبتی داشت در زمینه اذیت و آزار بی حد و حصر مردان که هر روز با آن در جدل است. زیرا همین که صبح از خانه به طرف کار می‌رود و عصر دوباره بر می‌گردد، هیچ روز و هیچ زمانی نیست که مورد اذیت و آزار قرار نگیرد. بارها اتفاق افتاده که از ناراحتی زیاد به آنها حمله ور شده و خواسته با آنها دست و پنجه نرم کند.

وی ابتداء فکر می‌نمود که شاید زنهایی مورد آزار جنسی، اذیت و اهانت قرار می‌گیرند که چادری ندارند اما بعد ها متوجه شد که همه زنان چه با حجاب و چه بی حجاب و چه پیر و چه جوان همه از این تحفه استعمار و ارتجاع که روز تا روز این آلودگیها را دامن می‌زنند تا خلق افغانستان را در دامان کثیف خود با ارزشهای اهانت بار خود پرورش دهند، برخوردار هستند. با دامن زدن به این فضای خفقان آور، باداران شبنامه نویس ادعا دارند که گویا حقوق و آزادی زن افغان را برآورده می‌سازند.

زنان آزاده میهن!

اگر من و تو با قبول دو و دشنام، فحش و ناسزا از جانب شبنامه نویسان که بوئی از کرامت انسانی به مشام شان نرسیده، جرأت ننموده و ابتکار عمل را به دست نگیریم و علیه فرهنگ استعماری که جز خیانت، خود فروشی، جاسوسی و چور و چپاول چیز دیگری نیست، توأم با فرهنگ ارتجاعی که حاوی افکار خرافاتی و اسارت باراست به جرأت و جسارت خود نیفزائیم و در راه حصول حقوق و آزادی زنان در بند کشور زبان و قلم خود را به کار نیندازیم پس هیچ تضمینی بر بهتر شدن شرایط زندگی نسلهای بعدی که ما در قبال آنها مسؤولیت داریم، نمی‌تواند وجود داشته باشد.

اگر ما همیشه فقط خود را در نظر بگیریم و با این طرز دید به اتهامات شبنامه نویس فقط گوش فرا دهیم و بگوئیم که نسبت به من از جانب وی اتهامی صورت نگرفته لذا با بی تفاوتی با آن برخورد نمائیم و در زمینه از ترس جرأت موفقگیری را از خود سلب نمایم ، پس گفته می توانم که فقط شخص خود را مصون نگهداشتن و به خود اندیشیدن است و بس.

ما شاهدیم که ده سال قبل امپریالیسم جنایتگستر باغرش مرگ آور ب ۵۲ ده ها هدف و پروژه مملو از فریب و ریاکاری را که یکی از آنها حصول حقوق و آزادی زنان در بند بوده، نیز نشخوار می نمود. در ظاهر امر علیه دهاره هائی که خود موجب ظهور آنها گردیده بود شروع به تبلیغات نمود به تبلیغات ضد دهاره ای که تا دیروز به فرمان و اراده بادران استعماری خود افغانستان را با اعمال ضد انسانی شان گورستان ساخته و زنها را زنده به گور نموده بودند. امروز این دسیسه سازان و توطئه گران قرن ۲۱ می خواهند به حضور آنها رسمیت ببخشند. همانطوری که به احداث پایگاه های نظامی خود با مشتی از دول قاتل و دولت پوشالی کابل و دیگر خائنین توانستند در کنفرانس دوم بن ، رسمیت ببخشند به همین ترتیب می خواهند که معاونت خود را جهت ایجاد پایگاه ارتجعی در قطر که خود زمینه ساز آن هستند، از سرحدات افغانستان هم زیادتر انکشاف دهند و باز هم مشترکاً بدان رسمیت ببخشند و به بقاء و استمرار آنها از هیچ نوع کمک و همکاری دریغ نورزند و هر زمانی که بخواهند این هیولای قرن را با افکار قرون وسطائی شان بر شانه های نه تنها خلق افغانستان بلکه بر خلقهای دیگر منطقه سوار نمایند و نگذارند که خلقها خود را از گرداب جهالت و کوری و کوری که یکی از اهداف امپریالیسم و ارتجاع است، بدر آرند . در چنین شرایطی زنانی را که در غرب زندگانی می نمایند به فحشاء متهم ساختن فقط از کسانی ساخته است که در دامن های ناپاک پرورش یافته باشند. چنین افرادی باید بدانند:

که جوامع غربی از برخی جهات پاکتر از دامن مادر همچو افراد است .